

بسم الله الرحمن الرحيم

تحولات سیاسی در اقلیم کاتالونیا

(ترجمه)



پرسش

بی‌بی‌سی به تاریخ ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۷م از دفتر مطبوعاتی ماریانو راجوی نخست وزیر اسپانیا خبر ذیل را به نشر رساند: «حکومت برای بکارگیری ماده ۱۵۵ قانون اساسی که طبق آن حکومت مرکزی اجازه اشراف بر کاتالونیا را دارد، اجتماع خواهد کرد.» از طرفی هم "کارلس پوگدمون" رئیس حکومت کاتالونیا در خطابه‌ای که عنوانی حکومت اسپانیا ایراد نمود، در آن حکومت اسپانیا را مادامی که فشار آورده و از راه مذاکره وارد نشود، به تأیید همه‌پرسی از طرف پارلمان منطقه خود مختار کاتالونیا تهدید نمود. رئیس اقلیم پس از همه‌پرسی، به تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۷م استقلال کاتالونیا را از اسپانیا اعلام نمود؛ مگر اجراء و تطبیق آن را قابل مذاکره دانست.

علی‌رغم مخالفت پادشاه، حکومت و محکمه قانون اساسی اسپانیا، چرا اقلیم این همه‌پرسی را انجام داد، موقف جهانی در قبال آن، چه خواهد بود و چقدر امکان دارد این استقلال عملاً به انجام برسد؟ الله سبحانه و تعالی خیرتان دهد.

پاسخ

به خاطر این که تصویر واضح و پاسخی بهتر ارائه کنیم، واقعیت کاتالونیا و جنبش‌های جدایی طلب قبلی و سپس همه‌پرسی اخیر را به بحث گرفته و پس از آن موقف جهانی را در قبال آن به بحث خواهیم گرفت، و بعد از آن امکانات عملی استقلال را به بررسی خواهیم گرفت.

اول) واقعیت تاریخی و جغرافیایی کاتالونیا: منطقه خودمختار کاتالونیا در شمال شرق اسپانیا قرار داشته و مساحت آن بالغ بر ۱۰۳۲ هزار کیلو متر مربع؛ یعنی ۸ درصد کل مساحت اسپانیا را احتوا می‌کند. کاتالونیا متشکل از چهار ایالت: بارسلونا، لریدا، خرنا و تاراگونا بوده و پایتخت آن بارسلونا می‌باشد. ساکنین آن ۵.۷ میلیون؛ یعنی حوالی ۱۶ درصد از باشندگان اسپانیا را تشکیل می‌دهد. اسپانیا متشکل از ۱۷ اقلیم بوده که هر کدام آن، خودمختار اند.

نور اسلام در سال ۹۵ هـ.ق در اثنای فتوحات اسلامی اندلس وارد کاتالونیا گردید. زمانی که حکومت اسلام در اندلس به پایان رسید، اقلیم کاتالونیا تا سال ۱۷۱۴ م به عنوان کشوری مستقل بود که پس از آن اسپانیا آن را علی‌رغم خواست مردم کاتالونیا به خود ملحق کرد و مردم آن، همواره برای رهاییافتن از اشغال اسپانیا مبارزه می‌کردند، و در دهه‌ی سی قرن گذشته، جنگ‌های داخلی که یک طرف آن حکومت مرکزی و هم‌پیمان‌ش-کاتالونیا که در آن زمان نیز در امور داخلی خویش مستقل بود- و یک طرف دیگر آن اردوی "فرانکو" بود، در گرفت.

"فرانکو" پس از پیروزی به سرکوب کاتالونیایی‌ها پرداخت، تدریس لسان کاتالونیایی را در مدارس منع نموده و زبان کاتالونیایی را از لسان‌های رسمی کاتالونیا حذف کرد و در مجموع هویت کاتالونیایی را انکار کرد. پس از سقوط نظام سرکوبگر "فرانکو" همه‌پرسی ملی در اسپانیا برگزار شد که در آن ۳۰ درصد به نفع قانون اساسی اسپانیا که متضمن یک پارچگی کشور بود و در عین زمان حق خودمختاری را برای اقوام، اقلیت‌ها و اقلیم‌های متشکله اسپانیا داده بود، رأی دادند. در سال ۱۹۷۹ م مردم کاتالونیا مجدداً حق خودمختاری را کسب کرده و لسان اسپانیایی و کاتالونیایی به حیث زبان‌های رسمی کاتالونیا به رسمیت شناخته شد و پس از آن جنبش‌های جدایی طلب مجدداً قد علم نمودند.

دوم) مراحل نوین جنبش‌های جدایی طلب: جرقه جنبش‌های فوق از سال ۲۰۰۶ م رقم خورد، زمانی که قانون جدیدی تصویب شد، خودمختاری را تأیید نموده بود و برای تأیید و یا رد این قانون، همه‌پرسی صورت گرفت و این همه به خاطر اعطای صالحیت‌های بیشتر به خودمختارها بود؛ چنان‌چه قانون جدید، کاتالونیا را به عنوان "ملت" تعریف نموده بود؛ ولی در سال ۲۰۱۰ م محکمه قانون اساسی اسپانیا، این قانون را ملغی اعلام نمود که منجر به تظاهراتی تحت نام "ما ملتی مستقل بوده و ما خود تصمیم می‌گیریم" شد.

در اکتبر ۲۰۱۲ م یک همه‌پرسی سمبولیک برگزار شد و ۳۷ درصد از ساکنان اقلیم کاتالونیا در آن اشتراک کرده و به نفع استقلال از دولت اسپانیا رأی دادند. در جنوری ۲۰۱۵ م "آرتور ماس" رئیس حکومت کاتالونیا انتخابات زودهنگام را در سپتمبر همان سال اعلام نمود که در نتیجه انتخابات برگزار گردیده و جریان ناسیونالیستی که فریاد جدایی را سر می‌دادند، برنده این انتخابات گردیده و ۷۲ چوکی را احراز نمودند. در مقابل، احزابی که طرفدار استقلال نبودند، ۶۳ چوکی را به خود اختصاص دادند؛ چون اکثریت اعضای پارلمان متشکل از طرفداران استقلال بود، در نومبر ۲۰۱۵ م قانونی را تصویب نمودند که "آغاز پروسه تأسیس دولت مستقل کاتالونیا" را اعلام می‌نمود. حکومت اسپانیا به خاطر تجدید نظر این قانون به محکمه قانون اساسی مراجعه نمود و محکمه هم در آن تجدید نظر کرد.

وقتی جنبش‌های جدایی طلب قوی‌تر و شدیدتر شدند، رئیس حکومت اقلیم کاتالونیا به تاریخ ۹ اپریل ۲۰۱۷م اعلام نمود که به تاریخ ۱ اکتوبر ۲۰۱۷م همه‌پرسی عمومی استقلال از اسپانیا را برگزار خواهد کرد و در آن سؤالی "آیا دوست دارید که کاتالونیا دولتی مستقل حایز نظام جمهوری گردد"، را مطرح کرد. (منبع: نووستی ۹ اپریل ۲۰۱۷م) روز بعد حکومت اسپانیا اعلام نمود که مانع هرگونه تلاش برای استقلال خواهد گردید.

در ۶ سپتمبر ۲۰۱۷م پارلمان کاتالونیا قانونی را تصویب نمود که چگونگی استقلال اقلیم کاتالونیا از اسپانیا را مشخص می‌نمود. ماریانو راکوی این قانون را رد نموده گفت: «حکومت اسپانیا از صلاحیت‌های قانونی خویش برای تعلیق نمودن خودمختاری کاتالونیا و مانع شدن آن از استقلال، استفاده خواهد کرد.» محکمه قانون اساسی اسپانیا به تاریخ ۸ سپتمبر ۲۰۱۷م به طور قطع به توقف این همه‌پرسی بر طبق قانون اساسی حکم نمود.

با این همه، این همه‌پرسی در موعد مقررهایش ۱ اکتوبر ۲۰۱۷م برگزار شد و در آن بالغ بر ۴۳ درصد از ساکنان کاتالونیا اشتراک ورزیده بودند که در نتیجه ۹۰ درصد از رأی دهندگان خواهان جدایی از اسپانیا و استقلال شدند. به تاریخ ۳ اکتوبر ۲۰۱۷م پس از همه‌پرسی، "فلیپ ششم" شاه اسپانیا سخنرانی ایراد نموده و در آن همه‌پرسی را "غیرقانونی و غیردموکراتیک" توصیف نمود؛ مگر حاکم اقلیم کاتالونیا مدعی شد که به زودی در اخیر این هفته یا اوایل هفته آینده استقلال را اعلام خواهد کرد. وی افزوده گفت: «پادشاه اسپانیا نقش میانجیگر را که می‌شد کارها به شکل آرام آن به انجام برسد و قانون اساسی نیز آن اختیارات را برایش داده بود، بازی نکرد.» (منبع: بی‌بی‌سی ۳ اکتوبر ۲۰۱۷م)

به این ترتیب واضح می‌گردد که اوضاع اسپانیا آشفته است و قادر نیست تا مانع پروسه همه‌پرسی گردد، به همین دلیل هم، به سرکوب جدایی طلبان مبادرت کرد؛ چنان‌چه درگیری‌هایی که بین پولیس و جدایی طلبان صورت گرفت، منجر به زخمی شدن ۸۹۳ تن گردید؛ چون این سرکوب‌گری خشم افکار عامه را برانگیخته است، و هم‌چنان اسپانیا راه‌های دیگری برای از کار انداختن موتور ماشین استقلال طلبی را جستجو کرده و جنگ اقتصادی را علیه این اقلیم آغاز نموده است. چنان‌چه شرکت‌ها و مؤسسات مالی بزرگ اعلام نموده‌اند که از بارسلونا پایتخت کاتالونیا به خارج انتقال می‌نمایند؛ چنان‌چه "کیشا بانک" که سومین بانک بزرگ اسپانیا است این کار را به تاریخ ۶ اکتوبر ۲۰۱۷م انجام داد. اسپانیا به منظور ایجاد موانع بزرگ مردمی به تاریخ ۸ اکتوبر ۲۰۱۷م صدها هزار تن را به عنوان مخالفین استقلال به جاده‌ها سرازیر نمود.

کارلس رئیس اقلیم کاتالونیا به تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۷م در برابر پارلمان اعلام نمود که کاتالونیا استقلال‌اش را گرفته، اما روند عملی شدن این استقلال را به تأخیر انداخت. وی گفت: «به نیازی که کاتالونیا به دولتی مستقل و با ساختار جمهوری دارد، من می‌پذیرم که باید گفتگو صورت گیرد. پیشنهاد می‌کنم، پیامدهای اعلام استقلال را تا انجام مذاکرات به منظور دست‌رسی به راه‌حل قابل قبول برای همه، به تأخیر بیندازیم.» اما وی از حمایت صریح پارلمان در خصوص اعلام استقلال برخوردار نگردید. (منبع: یورو نیوز، رویترز ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۷م) این اظهارات نشان می‌دهد که وی نمی‌خواست با اعلام نهایی استقلال، خود را زیر فشار قرار دهد؛ زیرا می‌داند که

عملی شدن این برنامه، کار آسانی نیست. بناً دروازه را تا انجام مذاکرات با دولت اسپانیا، هم‌چنان نیمه باز گذاشته و خود را از برخورد با آن برحذر داشت. به این ترتیب، این اقلیم هم‌چنان بخشی از اسپانیا باقی خواهد ماند؛ اما مشکل آن هم‌چنان فعال بوده و به لقمه‌ای می‌ماند که در گلوئ اسپانیا و اتحادیه اروپا گیر کرده تا این‌که شرایط طوری فراهم گردد که کاتالونیایی‌ها بتوانند استقلال‌شان را عملی نمایند.

سوم) موقف جهانی در برابر تحولات کاتالونیا: در این بخش موقف دولت‌های مؤثر، یعنی اتحادیه اروپا، امریکا و هم‌چنین موقف سازمان ملل را از این نظر که موقف این سازمان به شدت از موقف امریکا متأثر می‌باشد، به بحث و بررسی خواهیم گرفت.

موقف اتحادیه اروپا طوری است که آشکارا و کاملاً بی‌پرده مخالف همه‌پرسی بوده و با استقلال کاتالونیا مخالفت نشان داده؛ چنان‌چه آلمان، فرانسه و اتحادیه اروپا، موقف‌گیری حکومت اسپانیا را تأیید نمودند. مایکل روفت معاون وزیر خارجه آلمان در اظهاراتی گفت: «تحولات اقلیم کاتالونیای اسپانیا نگران‌کننده بوده و جدایی این اقلیم از اسپانیا راه‌حل نیست. تحرکات جدایی طلبانه هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و تمام اعضای اتحادیه اروپا باید اصول و قواعد حاکمیت قانون و دموکراسی را رعایت نموده و با قاطعیت تمام به آن پایبندی نشان دهند. کشمکش‌های سیاسی در داخل اتحادیه را باید از طریق گفتگو حل و فصل نماییم؛ نه اعمال خشونت در جاده‌ها.» (منبع: رویترز ۲ اکتوبر ۲۰۱۷م)

فرانسه موقف‌اش را از زبان نتالی لوازو، وزیر امور اروپا اعلام نمود و آن این‌که: «فرانسه هرگز استقلالی را که تنها از جانب اقلیم کاتالونیا اعلام شود، به رسمیت نخواهد شناخت. هرچند به رسمیت شناختن استقلال کاتالونیا مستحیل است؛ اما بر فرض محال اگر به رسمیت هم شناخته شود، پیامد فوری آن، این خواهد بود که اقلیم کاتالونیا از اتحادیه اروپا اخراج خواهد شد.» (منبع: رویترز ۹ اکتوبر ۲۰۱۷م) جان کلود یونکر رئیس کمیشنری‌های اتحادیه اروپا، موقف این اتحادیه را در زمینه چنین بیان نمود: «از همه می‌خواهیم تا به تصامیم حکومت اسپانیا و محکمه قانونی آن احترام بگذارند.» این در حالی است که دونالد توساک رئیس پارلمان اروپا به تاریخ ۲ اکتوبر ۲۰۱۷م در حساب تویتر خویش نوشت: «استدلال‌های قانونی و فراخوانی راخوی نخست وزیر اسپانیا برای ایجاد راه‌حلی که بتواند، از تداوم تنش‌ها و استفاده از خشونت را کاهش دهد، تأیید می‌کنم.»

در مورد موقف امریکا باید گفت: به نظر می‌رسد که امریکا حکومت و رئیس اقلیم کاتالونیا را پشتیبانی و تشویق نموده، چنان‌چه هیدرنوریت سخنگوی وزارت خارجه امریکا در اظهاراتی گفت: «ایالات متحده این همه‌پرسی را یک مسئله داخلی تلقی نموده و علاقمند نیست در آن مداخله نماید. ما منتظر می‌باشیم حکومت و مردم آن‌چه راه‌حلی برای این قضیه پیدا خواهند نمود و با هر حکومت و نهادی که پس از حل بحران تشکیل گردد، تعامل خواهیم نمود.» (منبع: الفجر مصر ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۷م) این جمله اخیر نشان می‌دهد که امریکا همه‌پرسی و استقلال را تأیید می‌کند؛ زیرا می‌گوید: «با هر حکومت و نهادی که پس از حل بحران تشکیل گردد، تعامل خواهیم نمود.»؛ یعنی در صورت استقلال کاتالونیا ما آن را به رسمیت خواهیم شناخت.

در عین حال، روزنامه اسپانیایی بایس نیز در خبری می‌گوید: «کارلس رئیس اقلیم کاتالونیا، اظهارات سخنگوی وزارت خارجه امریکا را نشانه تأیید و احترام این کشور به اراده ملت کاتالونیا و نتیجه همه‌پرسی آن خواند.» دلیل این‌که امریکا به استقلال کاتالونیا چراغ سبز نشان می‌دهد، این است: همه می‌دانند که امریکا در پی تکه و پارچه نمودن اتحادیه اروپا می‌باشد؛ چنان‌چه خروج انگلیس از این اتحادیه را نیز تأیید نمود و سایر دولت‌های اروپا را نیز تشویق به جدایی می‌کند و یا حد اقل می‌خواهد این اتحادیه سرگرم حرکت‌های جدایی طلب شده و فرصتی برای آن و یا دولت‌های بزرگ آن باقی نماند تا در قضایای بین‌المللی با امریکا رقابت نموده و یا برایش مزاحمت نماید.

بنابراین تشویق نمودن به چنین تحرکات جدایی طلبانه به نفع امریکا می‌باشد. این موقف‌گیری امریکا درست بر عکس موقف‌گیری آن در خصوص همه‌پرسی کردستان عراق برای استقلال است؛ چنان‌چه با قوت تمام آن را رد نموده و دولت‌های منطقه و وابسته به خود؛ مانند: عراق، ایران و ترکیه را وظیفه داد تا با آن همه‌پرسی مخالفت نموده و بالای بارزانی فشار آورند تا از آن صرف نظر نماید؛ زیرا استقلال کردستان عراق در حال حاضر به نفع امریکا نیست، به ویژه با توجه به این، این تنها امریکاست که در عراق نفوذ دارد. مسئله همه‌پرسی استقلال کردستان به اشاره انگلیس به مزدور بارزانی مطرح گردید و هدف انگلیس این بود که با استفاده از این گام می‌خواست، به امریکا مزاحمت نموده و امریکا را وادار نماید تا در بدل جلوگیری از همه‌پرسی، تحریم‌های امریکا علیه دولت قطر را که توسط عربستان سعودی و مصر اعمال گردیده، بر دارد.

موقف سازمان ملل که امریکا بالای آن تسلط دارد، در قبال موضوع کاتالونیا این است که به جانب استقلال تشویق می‌کند، چنان‌چه انتونیوس سرمنشی این سازمان در اظهاراتی ابراز امیدواری نمود که مؤسسات دموکرات در اسپانیا بتوانند برای بحران به وجود آمده میان حکومت مرکزی و مسئولین اقلیم کاتالونیا، به راه‌حلی دست پیدا کنند. هم‌چنین سخنگوی رئیس هفتاد و دومین دور مجمع عمومی سازمان ملل در سخنانی گفت: «حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت شان، یک حق اساسی است.» وی اشاره نمود که این حق باید بدون مخالفت با اساسات سرزمین این کشور و از طریق توافق میان طرفین جامعه عمل پوشانیده شود. (منبع: اسوشیتد پرس امریکا ۳ اکتبر ۲۰۱۷م) این اظهارات بیانگر آنست که سازمان ملل با استقلال کاتالونیا موافق بوده و به سوی آن تشویق می‌کند؛ اما این در حالی است که این سازمان با همه‌پرسی اقلیم کردستان و استقلال آن مخالفت نمود؛ زیرا امریکا بالای تصامیم اتخاذ شده در سازمان ملل تسلط کامل دارد.

این موقف‌گیری‌ها نشان می‌دهد که تحرکات اخیر اقلیم کاتالونیا در خصوص همه‌پرسی از جانب امریکا، با چراغ سبز مواجه گردیده و حتی مورد تشویق قرار گرفته است، به این دلیل که مهم برای امریکا گل آلود کردن آب در اروپاست، به ویژه در جریان حکومت ترامپ. موقف‌گیری‌ها و اظهاراتی را که قبلاً یاد آوری نمودیم به خوبی این ادعا را تقویت می‌کند.

چهارم) امکان عملی شدن استقلال کاتالونیا از اسپانیا: واقعیت اینست که این کار اقلماً در آینده نزدیک، آسان نیست و شکی نیست که امریکا این واقعیت را به خوبی می‌داند؛ اما دلیل تشویق‌اش به جانب استقلال اینست که چنان‌چه گفته شد، می‌خواهد آب را در اروپا

گل آلود نموده و اروپاییان را مشغول خودشان کند، تا این تحولات گام‌های ابتدایی به سوی فروپاشی این اتحادیه در دراز مدت باشد. گذشته از آن، مسائل دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن اسپانیا نمی‌تواند به هیچ وجه با جدایی کاتالونیا موافقت نماید، و این مسائل را می‌توان به دو سبب خلاصه نمود:

اقلیم کاتالونیا با وجود جغرافیای کوچکی که دارد، ۲۰ درصد از درآمد داخلی اسپانیا از آن به دست می‌آید که ۷۰ درصد ترانسپورت تجارت خارجی اسپانیا از طریق آن صورت می‌گیرد و یک سوم بخش صنعت اسپانیا از آن حاصل می‌گردد. بنابر این، ساکنان کاتالونیا به این باور استند که آنچه به حکومت مرکزی می‌دهند، به مراتب بیشتر از آنچه است که می‌گیرند، و این که حکومت اسپانیا مالیات سنگینی که به ۱۰ درصد از تولید این اقلیم می‌رسد، از آنان می‌گیرد، که تمام این موارد، سر و صداها و کشمکش‌های استقلال طلبی را تقویت می‌کند. این در حالی است که اسپانیا از مشکلات اقتصادی، ضعف در تعادل اقتصادی، روزافزونی ضعف بودجه‌ای و افزایش میزان بیکاری رنج می‌برد، گذشته از این، سال‌هاست که برنامه‌های ریاضت اقتصادی را روی دست گرفته و اقتصاد کاتالونیا یکی از عناصر مهم معالجه این مشکلات اقتصادی به شمار می‌رود.

جدایی طلبی کاتالونیا منجر به جدایی طلبی مناطق دیگری در اسپانیا و غیراسپانیا خواهد شد؛ زیرا استقلال کاتالونیا، اقلیم باسک اسپانیا را نیز تشویق خواهد نمود که خواستار استقلال شود؛ زیرا این اقلیم نیز در گذشته در این مورد تلاش‌هایی را به کار گرفته بود. اقلیم باسک استقلال طلبی کاتالونیا را تأیید نمود که خود بیانگر احتمال استقلال طلبی مجدد آن در آینده می‌باشد؛ پس روح استقلال طلبی و کشمکش‌های مربوط به آن هنوز در اقلیم باسک زنده است؛ چنانچه نشریه سیاست پست به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۷م با نشر خبری گفت: «اقلیم باسک عملاً اعلام نموده که تمایل دارد از سال آینده استقلال‌اش را از اسپانیا بگیرد.»

اقلیم باسک همان اقلیمی است که قبلاً از خشونت‌ها و کشته شدن صدها تن در جریان حرکت ایستا رنج برده، حرکتی که سال‌های زیادی تحرکات استقلال طلبی را با فعالیت‌های مسلحانه رهبری می‌نمود تا این که سرانجام سه سال قبل در پی دستیابی به آتش بس، این حرکت از فعالیت‌های مسلحانه دست برداشت؛ اما در عوض آن صلاحیت‌های بیشتری را برای این اقلیم کسب نمود. بنابر این صورت استقلال یک اقلیم، سائر مناطق نیز به گمان اغلب خواستار استقلال خواهند شد؛ چنانچه وزیر عدالت اسپانیا در مورد این امکان هشدار داده گفت: «نگرانی شدید من این است که استقلال اقلیم کاتالونیا به معنی پایان دادن به دولت اسپانیا خواهد بود؛ زیرا استقلال این اقلیم مانند سقوط پی هم دومینو در پی سقوط نخستین بخش آن خواهد بود.» (منبع: الجزیره ۲ اکتوبر ۲۰۱۷م)

بنابر این به هیچ وجه امکان ندارد که اسپانیا با استقلال کاتالونیا موافقت نشان دهد؛ بلکه پیوسته هشدار می‌دهد، در صورتی که نتواند جلو تحرکات جدایی طلبانه را به هیچ وسیله‌ای بگیرد، ماده ۱۵۵ قانون اساسی اسپانیا را به کار خواهد گرفت. این مسئله از گزارشی که بی‌بی‌سی به تاریخ ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۹م به نقل از دفتر نخست وزیر اسپانیا منتشر نمود، بر داشت می‌شود. از جانب دیگر، در صورت انتشار مفکوره استقلال در گوشه و کنار اتحادیه اروپا، این اتحادیه در معرض فروپاشی قرار خواهد گرفت، به ویژه اگر در

برخی موارد عملاً بعضی‌ها استقلال‌شان را به دست آورند؛ زیرا جریان‌های استقلال طلب در فرانسه نیز وجود دارد و اقلیم کاتالونیا و اقلیم باسک میان فرانسه و اسپانیا تقسیم شده است.

هم‌چنین در جزیره کورسیکا نیز یک جریان استقلال خواه وجود دارد که تلاش دارد، استقلال‌اش را از فرانسه بگیرد و در حال حاضر منتظر است که اقلیم کاتالونیا در این اقدام‌اش موفق شود. در ایتالیا، بلژیک و سائر کشورها نیز جریان‌های استقلال خواه فعالیت دارند که این واقعیت به وضوح می‌تواند همبسته‌گی اتحادیه اروپا را تهدید نماید. به علاوه بحران‌های فراوان و تهدیدهای زیاد دیگری که این اتحادیه از جانب جریان‌های قومی جدایی طلب دیگر مواجه است؛ چنان‌چه در بریکست انگلیس اتفاق افتاد. تمام موارد فوق‌الذکر احتمال عملی شدن جدایی کاتالونیا را به شدت دشوار و دور از واقعیت قرار می‌دهد؛ زیرا این خطری نیست که تنها اسپانیا را تهدید نماید؛ بلکه سراسر اتحادیه اروپا می‌تواند از آن متأثر گردد.

به نظر می‌رسد رئیس این اقلیم، اندک اندک به این واقعیت پی می‌برد؛ چنان‌چه خود را تقریباً تنها می‌بیند؛ حتی در داخل خود اقلیم، چنان‌چه دیدیم که گروه‌های زیادی از مردم علیه اقدام وی دست به اعتراض زدند. به همین دلیل بود که فیصله اعلام استقلال به صورت کامل صورت نگرفت و رئیس اقلیم عملی شدن استقلال را تا انجام مذاکرات و تحقق استقلال بیشتر برای اقلیم و هم‌چنین فراهم شدن فرصت بهتر و شرایط مناسب‌تر، چه در خصوص اوضاع خود اسپانیا و چه در خصوص اوضاع سراسر اروپا، به تأخیر انداخت.

این مسأله آن قدر حائز اهمیت است؛ اگرچه امریکا موقف تشویق و ترغیب را گرفته بود؛ اما زمانی که موقف تند و تیز و قوی اسپانیا و حمایت اتحادیه اروپا از آن را مشاهده نمود، در کمک به اقلیم دست‌اش را اندکی به عقب کشید، چنان‌چه ترامپ رئیس جمهور امریکا در جریان دیداری که با راخوی نخست وزیر اسپانیا که به منظور آگاهی از موقف ترامپ به امریکا سفر نموده بود، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «ما داریم با یک دولت بزرگ تعامل می‌کنیم، لازم است این دولت هم‌چنان یک پارچه باقی بماند.» (منبع: روزنامه شروق مصر ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۷م) رئیس اقلیم کاتالونیا به زودی پی خواهد برد که ترامپ در وعده‌اش به سان شیطان عمل می‌کند؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾

[نساء: ۱۲۰]

ترجمه: به آنان وعده می‌دهد و آرزوها ایجاد می‌کند؛ اما وعده شیطان چیزی جز مغرور نمودن نیست.

اما با وجود همه، باز هم امریکا تلاش‌هایش را برای متزلزل نمودن اتحادیه اروپا ادامه خواهد داد و مطمئناً سرانجام کسی را در آن پیدا خواهد نمود که به وعده‌های آن باور نموده و از آن استقبال نماید.

پنجم: به این ترتیب دیده می‌شود که ملیت‌گرایی، گردانندگان ایدئولوژی سرمایه‌داری را پیوسته می‌گذرد و هر روز آنان اتحاد، همبستگی و فعالیت‌های سیاسی شان در خارج را ضعیف و ضعیف‌تر می‌کند. دلیل‌اش این است که این ایدئولوژی نتوانسته مسئله ملیت‌گرایی را معالجه نماید و هرگز نخواهد توانست؛ زیرا سرمایه‌داری به علاوه این که اساساً یک ایدئولوژی باطل است، به دلیل جدایی انداختن میان دین و زنده‌گی عملاً ناکام نیز است. به علاوه آن، مفکورهٔ دموکراسی‌اش نیز یک ایدئولوژی فاسد است؛ زیرا سرمایه‌داران با استفاده از قوانین دموکراسی، مقام‌های بلند را غصب نموده و امتیازات زیادی را به خود اختصاص می‌دهند. در عین حال به دلیل جنگ علیه دین و دینداران و تمیز قائل شدن میان انسان‌ها بر اساس دین و نژاد، این ایدئولوژی یک ایدئولوژی ظالم و ستم‌گار نیز می‌باشد. نمونه‌های این ناکامی، فساد و ستم ناشی از این ایدئولوژی را به وضوح می‌توان در امریکا و اروپا مشاهده نمود.

بدون شک هیچ یک از قوانین وضعی زادهٔ فکر ناقص بشر خالی از ظلم، فساد، جنایت و سوء استفاده نیست. این تنها اسلام است که به دلیل طراحی شدن‌اش توسط آفریدگار جهانیان، توان تحکیم حق و عدالت در میان مردم را دارا بوده و زنده‌گی بشر را استحکام می‌بخشد؛ زیرا الله سبحانه و تعالی می‌داند چه چیزی به صلاح مخلوقات او است.

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾

[ملک: ۱۴]

ترجمه: آیا کسی که آفریده است نمی‌داند با این که او خود باریک بین آگاه است.

بدون شک این تنها اسلام است که تمام ملت‌ها را در یک صف قرار داده و تفرقه‌ها و تفرقه‌های ناشی از ملیت‌گرایی و عصبیت را از آنان دور می‌کند؛ زیرا قوانین اسلام تمام کشش‌های ملی و تعصبات وطنی را حرام قرار داده و بدون در نظر داشت هیچ‌گونه ملاحظه‌ای، علیه آن می‌جنگد. آری، این تنها اسلام است که در رعایت و سرپرستی از امور زنده‌گی مردم، عدالت را بدون هیچ‌گونه تمیزی بر اساس دین، نژاد، رنگ جلد، جنسیت و هیچ چیز دیگری، در میان آنان تأمین نموده و تمام مردم در برابر محکمه‌ای که زیر سایهٔ دولت خلافت راشد عمل می‌کند، با یکدیگر برابر و یک سان می‌باشند. امام احمد در مسند خویش می‌گوید: اسماعیل به نقل از سعید جریری و وی از ابو نضره و او از کسی که خطبه رسول الله صلی الله علیه وسلم را در ایام تشریق شنیده بود، روایت نموده که وی صلی الله علیه وسلم فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى أَبْلَغْتُ»، قَالُوا: بَلَّغَ رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: ای مردم! آگاه باشید که پروردگار تان یکی است و پدر تان یکی است. آگاه باشید که هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد و هیچ عجمی بر هیچ عربی نیز برتری ندارد، هیچ سرخ پوستی بر هیچ سیاه پوستی و هیچ سیاه پوستی بر هیچ سرخ پوستی برتری ندارد؛ مگر بر اساس تقوی و پرهیزگاری. آیا این پیام را برای تان رسانیدم؟ حاضران در آن خطبه همه گفتند: آری، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) این پیام را برای ما رسانید.

این است شیرازه حق و عدالت:

﴿فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ﴾

[یونس: ۳۲]

ترجمه: این است الله (سبحانه و تعالی) پروردگار حقیقی شما و بعد از حقیقت جزء گمراهی چیست پس چگونه (از حق) بازگردانیده می شوید.

۲۹ محرم ۱۴۳۹ هـ.ق

۱۹ اکتوبر ۲۰۱۷ م